

باسمه تعالی

- ۱..... استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا در زمان واحد
- ۱..... نقض بر مرحوم اخوند
- ۲..... جواب نقض
- ۲..... کلام نائینی
- ۲..... جواب از کلام نائینی
- ۲..... کلام حاج شیخ اصفهانی
- ۳..... اشکال به کلام مرحوم اصفهانی
- ۳..... کلام استاد
- ۳..... دلیل عدم افنا بودن استعمال

موضوع: بررسی اقوال / استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در استعمال لفظ در اکثر از یک معنا بود مرحوم اخوند فرمود این استعمال محال است و این امر را مبتنی کرد بر حقیقت استعمال. فرمود حقیقت استعمال قرار دادن لفظ به گونه علامت بر معنا نیست و علامیت در بین نیست بلکه حقیقت استعمال افنا لفظ در معنا است و در یک ان ممکن نیست که شخص فانی کند یک لفظ را دو معنا. پس با حفظ وحدت لفظ محال است که دو معنا را افاده کند.

استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا در زمان واحد**نقض بر مرحوم اخوند**

مرحوم اخوند وضع عام و موضوع له عام را جایز میدانستند زیرا وضع عام موضوع له خاص محال است چون عام محال است که مرآة خصوصات باشد در حالی که مرحوم اخوند گفت عام چنین کاری را میتواند بکند در اینجا نیز یک لفظ میتواند مرآة دو معنا باشد

جواب نقض

این نقض واضح الفساد است زیرا مشکل مرحوم اخوند در محل بحث مجرد مراتب نیست بلکه مشکل افنا است و ندیدن لفظ است مشکل جهت استعمال است و در مقام استعمال لفظ در معنا فانی میشود و لفظ را معنا میبینید و لفظ را در حقیقت نمیبینیم ولی در باب وضع بحث استعمال نیست و لفظ لحاظ شده است و معنا نیز لحاظ شده است و لفظ مرآة برای معنا قرار گرفته است ولی در باب استعمال این گونه نیست. پس در باب وضع افنایی در کار نیست ولی در باب استعمال لفظ فانی شده است و نمیشود که دو فنا شده باشد.

کلام نائینی

ایشان فرموده است که استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا محال است و این بحث ربطی ندارد که استعمال را علامت بدانیم یا افنا باشد و در هر دو استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا محال است زیرا مشکل ما در قبل از استعمال است در مقدمه استعمال است و استعمال نیاز به لحاظ دارد فلذا مشکل در لحاظ است زیرا نفس بسیط است که در زمان واحد دو معنا را ببیند محال است و اگر نفس مرکب بود به یک جزء میتواند یک معنا را لحاظ کند و با جزئی دیگر معنای دیگر را لحاظ میکند. بر خلاف مرحوم اخوند که بین حقیقت استعمال تفصیل میدهد.

جواب از کلام نائینی^۱

نفس انسان این قدرت را دارد که چند معنا را در زمان واحد لحاظ کند و لو اینکه بسیط باشد و در یک زمان واحد میتواند معنای علمیه را لحاظ کند و اشخاص را در نظر بگیرد که چه کسی حرف میزند و چه کسی حرف نمیزند و چه کسی میاید و چه کسی میرود.

کلام حاج شیخ اصفهانی^۲

ایشان مثل اینکه میخواهد ادعای مرحوم اخوند را برهانی کند و تقریب ایشان را عوض کند و فرموده است که لفظ وجود معنا است به یکی از انحاء وجود (وجود لفظی و وجود کتابی وجود خارجی و وجود ذهنی) اگر خواسته باشد لفظ که یک وجود است هم وجود یک معنا باشد و هم وجود معنای دیگر باشد لازمه اش این است که وجود یکی باشد ولی ایجاد دو تا باشد در

^۱ محاضرات فیاض ج ۱ ص ۲۰۶

^۲ نهاية الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۱، ص ۸۸.

حالی که وجود و ایجاد یک وجود است و تنها در نسبت به فاعل و قابل فرق میکند مثلاً خداوند که عالم را ایجاد میکند عالم وجود پیدا میکند پس ایجاد معنا همان وجود معنا است و معقول نیست که ایجاد دو تا باشد و وجود یکی باشد.

اشکال به کلام مرحوم اصفهانی

این کلام مفهوم نمیشود اگر خواسته باشیم وجود و ایجاد را در اینجا پیاده کنیم فاعل که متکلم است و لفظ وجود است ایجاد معنا عدل وجود لفظ نیست بلکه ایجاد متکلم عدل وجود معنا است اما اینکه لفظ ایجاد معنا باشد که امر تکوینی نیست بلکه یک امر اعتباری است و چه عیبی دارد که معتبر اعتبار کند که وجود یک لفظ ایجاد دو معنا باشد پس محال از جانب متکلم و معنا است نه لفظ و معنا باشد.

پس لفظ ایجاد دو معنا باشد ربطی به قضیه اینکه ایجاد و وجود متحد هستند ندارد

کلام استاد

ما باید دعوای مرحوم اخوند مورد بحث قرار بدهیم که آیا استعمال همان افنا است یا نه؟ اینکه مرحوم اخوند استعمال را افنا معنا کرده است شاید منشأش همان الی بودن الفاظ برای معنای است پس استعمال افنا است و نسبت به الفاظ غفلت است. لفظ را معنا دیدن است و شاهد این مطلب همان سرایت حسن و قبح معنا به لفظ است مثل اینکه اصلاً خود معنا القا شده است ولی در ذهن ما این است که اولاً اینکه استعمال افنا باشد خلاف احساس ما است البته یک چیز بعید نیست که از قبیل افنا باشد و آن احضار چیزی در ذهن و از زاویه آن با خارج ارتباط پیدا میکنیم و از خودش غافل هستیم هر چند که میتوان همین وجود ذهنی را نیز استقلالاً لحاظ کنیم که این مطلب خارج از بحث ما است و بحث ما در الفاظ است که بحث فنا منتفی است

دلیل عدم افنا بودن استعمال

چه بسا انسان های فرهیخته به الفاظ نیز التفات تفصیلی دارند و ای چه بسا آن الفاظ برایشان مهم است مثلاً در گروه ادبا نشسته است و اینکه چه لفظی را به کار برد و الفاظ را در معانی استعمال کرده است ولی نسبت به انتخاب الفاظ و جمله بندی التفات تفصیلی دارد و ادعای ما این است که استعمال عبارت است از اینکه لفظ را تکلم کنیم یا بنویسیم بداعی نه قوام احضار معنا. اگر نمیخواهی معنایی را احضار کنی از باب استعمال نیست و قوام استعمال این است که لفظ را به کار ببریم به داعی احضار معنا یا در ذهن خودش یا برای دیگران.

خلاصه: تحلیل مرحوم اخوند درست نیست.

موضوع عام: استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی اقوال

استشهاد به سرایت حسن و قبح درست نیست زیرا برای سرایت مجرد ارتباط کافی است و نیاز به افنا نیست.